

موضوع	مخاطب	شماره و عنوان درس	معلم
تثلیث	عام	۴- تشخیص (بخش ۱)	ابراهیم فیروزی

اول تسالونیکیان ۵: ۲۱ ((همه چیز را تحقیق کنید و به آنچه نیکو است متمسک باشید))

در درس گذشته با عقاید مختلفی که در مورد شخصیت مسیح عنوان شد آشنا شدید. با تحقیقی بیشتر خواهید فهمید که هر یک از این افراد، برای عقیده ای که داشتند دلایلی را عنوان نمودند لیکن چگونه میتوانیم در بین عقاید مختلفی که در مورد یک موضوع مطرح میشود، عقیده صحیح را تشخیص داد؟ زیرا بر طبق کلام خداوند که در بالا مشاهده مینمائید لازم است که دست به تحقیقی دقیق بزنیم. چه ملاک یا ملاکهایی را برای محک زدن عقاید مطرح شده باید در نظر داشت؟ زیرا برای هر مقایسه یا شاخصی، به یک معیار صحیح نیازمندیم. در این درس و چند درس بعدی این سوال که چگونه میتوان عقیده صحیح را درک کرد صحبت میکنیم و بعد از آن خواهیم فهمید که کدام تعلیم در مورد شخصیت عیسی مسیح صحیح میباشد.

در دناکترین لحظات را میتوانید به یاد آورید؟ زمانی که در پی انجام کاری هستید و راههایی که برای رسیدن به مقصود در سر دارید را دنبال میکنید اما با شتاب به دیواری بتنی برخورد میکنید و راه پیشروی را بر خود بسته مبینید؛ در این هنگام آرزوی چه اتفاقی را دارید؟

بدون شک به امید نمایان شدن دستی از غیب انتظار میکشید و مانند تشنه ای که در بیابان به دنبال سراب میدود، راهنمایی و پیشنهادهایی که به شما میشود را میپذیرید زیرا دیگر خودتان راهی برای ادامه مسیر نمیابید!

به مثالی اشاره میکنم، شخصی را تصور کنید که صبحها ساعت ۱۰ صبح از رختخواب بیرون می آید بعد از استحمام به محل تدریس خود مراجعه میکند. کت و شلواری مرتب به تن دارد و با مراجعین با گرمی و صمیمیت برخورد میکند و ... حال، دو شخص در کنار هم قرار میگیرند و یکی او را خوب و دیگری بد میداند! چرا دو نفر در مورد یک شخص نظرهای متفاوتی دارند؟ آن شخصی که فرد مثال ما را خوب میداند میگوید (او خوب است، مگر روابط عمومی بالا و ظاهر مرتبش را نمیبینی؟) شخص دوم میگوید (او خوب نیست چون اول صبح از خواب برنمیخیزد!) پس اختلاف این دو بخاطر وجود تضاد در فرد مثال ما نیست بلکه در ملاکهایی است که برای تعیین خوب یا بد بودن یک شخص به کار میبرند. انتخاب، موضوعی نیست که فقط در مورد همسر یا انجام امور حساس با آن روبرو باشیم. حتی وقتی تنها هستید هم با انتخاب روبروید. امیدوارم با من هم عقیده باشید که موفقیت در زندگی مستلزم انتخابهای درست است و اگر غیر از این باشد پس موفقیت چیست و فرد موفق کیست؟ در این مقدمه سعی کردم نگاهی کلی از ادامه مطلب را به دست دهم زیرا در ادامه به دنبال پاسخ این سوال خواهیم رفت که: چگونه میتوان خوب و بد بودن هر فعلی را تشخیص داد؟ برای سنجش هر شاخصی به یک معیار نیازمندیم بدین معنی که برای سنجش درست یا غلط بودن هر فعلی، به نمونه ای کامل از همان فعل نیاز است. به نمونه کاملی که پیش رو است نگاه میکنیم و فعل مورد نظر را با آن مطابقت میدهیم. با توجه به نزدیکی فعل، به نمونه ای که الگوی ماست، درجه درست یا غلط بودن را تعیین میکنیم.

هفته ها قبل از نگارش این درس، در مسافرتی با شخصی برخورد کردم و باب گفتگو بینمان باز شد. وقتی ایشان از ایمان مسیحی ام مطلع گشت شروع به پرسش نمود. ایشان، از اینکه مسیحیان عیسی مسیح را تنها راه نجات میدانند شکایت داشت و با توسل به مباحث فلسفی و عقلی سعی در رد این موضوع کرد. بعد از گذشت

چندین ساعت گفتگوی دوستانه و عدم حصول نتیجه قابل توجه، به این نتیجه رسیدیم که دلیل اختلافی که بین من و او وجود دارد (نوع الگو) است . صحبت‌مان به جایی رسیده بود که وارد اخلاقیات شده بودیم . این شخص معتقد به وجود خدا بود اما حقیقت ادیان را انکار میکرد . معتقد بود که انسان با توسل به وجدان صرف میتواند در راه حق گام بردارد، بدون اینکه به دین خاصی معتقد باشد . به این دلیل بحث را تغییر دادم و این سوال را از او پرسیدم که : ملاک تشخیص درست و غلط بودن اخلاق را چه میداند؟ پاسخی که به سوالم داد این بود که با در نظر گرفتن شرایط اجتماعی و حکم وجدان میتوان بین درست و غلط فرق گذاشت . اما اشکالی که در این جواب وجود دارد را ایشان نادیده گرفته است و برای وی این مثال را آوردم . میدانیم که اخلاقیات مطلق است یعنی در شرایط و مکان تغییر پیدا نمیکند . فرد مخاطب از زمینه اسلام بود از وی خواستم که به اتاق مجاور برود . (خانواده میزبان در اتاق مجاور، بدون روسری نشسته بودند) وقتی از رفتن امتناع کرد به او گفتم (اگر شما در اروپا بودید رفتن به اتاق مجاور درست بود یا غلط ؟) میدانیم که در فرهنگ اسلام ورود یک آقای نامحرم در اتاقی که خانومی بدون روسری نشسته است " غلط " میباشد اما اگر همین شرایط در فرهنگ اروپایی باشد " غلط " نمیشود . با توجه به مطلق بودن اخلاقیات چگونه شما میگویید با توسل به فرهنگ اجتماعی و وجدان میتوانیم درست یا غلط بودن امری را بسنجیم؟ ایشان لحظه ای مکث کرد و گویی منظرگاهی جدید برایش باز شده باشد با تعجب گفت (راست میگی ، واقعا ملاک چیه؟)

تا اینجا نیاز به وجود ملاک را درک کردیم اما چه چیز را ملاک و الگو قرار دهیم؟ عده بیشماری معتقدند که آنچه جامعه مقبول میدانند درست و غیر آن غلط است در واقع ملاک تشخیص درست یا غلط را بر قبول اکثریت میدانند . عده ای هم وجدان قبول دارند با این توصیف که: به دلت نگاه کن، ببین دلت چه میگوید و آن را اجرا نما . هیچ کدام از اینها را نمیتوان ملاک قرار داد به این دلیل که مقبول بودن امری در بین اکثریت حتی میتواند زیباترین امور را به بیراهه کشاند . به عنوان مثال در دهه های گذشته ، اکثریت مردم آمریکا آزاد بودن در امور جنسی را قبول داشتند ، جوانانی که از رای اکثریت پیروی کردند به تباهی کشیده شدند . از این رو فساد و تباهی سراسر جامعه آمریکایی را فرا گرفت . آنانی هم که از ندای دل پیروی میکنند بدون اینکه خودشان متوجه باشند به افرادی خود رای و خود مختار تبدیل میشوند زیرا انسانها طبعا خواستار رسیدن و به دست آوردن آن چیزهایی هستند که خودشان دوست دارند . نتیجه اینکه قبول اکثریت و یا ندای قلب (وجدان) را نمیتوان ملاکهای مطمئنی برای ارزیابی درست یا غلط بودن امری تلقی کرد . پس چه چیز را ملاک قرار دهیم؟ تنها پاسخ مطمئنی که میتوان داد این است ، خدا تنها ملاک است !

لطفا تعجب نکنید، خداوند متعال تنها کامل مطلق است و بهترین و مطمئن ترین الگو خود خداست زیرا در وی ناراستی وجود ندارد . هر گاه خداوند متعال بر درستی یا نادرستی امری حکم نماید، بدون شک امر او بهترین و دقیقترین انتخاب است . برای تعیین صحت شاخصها، به معیار و ملاک نیاز است ؛ برای تعیین ملاکها به یک " کمال مطلوب " نیاز است و کمال مطلوب را جز در وجود خداوند متعال نمیتوان یافت .

امیدوارم که درک کرده باشید چرا خداوند را باید ملاک تشخیص قرار بدهیم . به امید خدا در درس بعدی به این سوال پاسخ خواهیم داد که چگونه خدا را بشناسیم تا بتوانیم تشخیص درستی داشته باشیم.

سوالات خود را در مورد این درس با ایمیل زیر در میان گذارید:

iraninhandjesus@aol.com